

	<p>حسب ایتعالی جل شانه سلامت وارو</p>	
	<p>احوال حضرت عیدریون تمام شد</p>	

سید محمد اکلیل از اولاد سیدراجو محمد خلت حضرت شاه عالم بودند سید عبد الجلیل در عهد
 سرلبنده خان صوبه احمد آباد و در بندر سورت تشریف آوردند نواب تنغ بیگ خان صفدر
 محمد خان معتقد ایشان گشته خدمت سجایمی آوردند میرحیدر المصطفی گارخان و اما و
 صفدر محمد خان تولیت بقعه نواب تنغ بیگ خان نزدیک دروازه بریا و باب ایشان
 تقویین نمودند و ایشان را چهار فرزند بودند سید رحمت الله که مجذوب بودند نوح
 اکلیس رحلت نمودند و سید عزیز الله حافظ و قاری بودند بیست و نهم ماه رمضان المبارک ۱۲۳۲
 رحلت فرموده سید صاحب خلت ایشان حافظ حیدر اند خداسلامت وارو و
 عرب سید میمان حافظ حیدر بودند و در ۱۲۳۲ رحلت نمودند و سید میمان و سید
 پسران ایشان موجود اند خداسلامت وارو و سید مهین خلت سید اکلیل حافظ
 و قاری و صاحب کمال بودند متقی در مسجد سید بخت واقع توکی بندر سورت قاسم
 دهمین صفر ۱۲۳۶ رحلت فرموده هم در آنجا مدفون گشته است سید یونس
 ایشان قاسم مقام اند شیخ علی شیر بن شیخ ایوب از اولاد بابا علی شیر احمد آبادی

۱۱ سید عبد اکلیل وفات کرده در گاه خواجه سید و در صاحب مدفون شدند ۱۲
 ۱۳ سید حسن عرف صاحب بخاری تایید ویم ذی الحجه ۱۲۴۹ وفات نموده در مسجد عیسی جی مدفون شدند پسران شریفین
 در ۱۲۳۰ وفات نموده حالا سید حسن از دست ۱۲
 ۱۳ این همه بزرگواران یعنی سید میمان و سید اکلیل و سید حیدر و سید حسین نامی که
 در تشریفات شاگرد عبد الرسول قاری بوده آن هم در ۱۲۳۰ وفات یافت ۱۲

از اولیاء عهد خود بوده سیوم شعبان گشته در بندرسورت رحلت فرموده
 نزدیک خانقاه خواجه وانا صاحب قدس ستره مدفون شد کسی از همسایگان
 بر ورخت قبر شریف برآمده آنحضرت را دید که از قبر مانند شیر نموده ابرشند از آن سبب
 بابا علی شیر شهور گشته پید عبد الوهاب بخاری سورتی رحمة الله علیه از اولیاء
 مخدوم سید ترمذی بودند و در عهد جوانی ملازمت سلطان بهادر گجراتی زوده
 بمرتب امارت پیده چون سلطان شهادت یافت ترک امارت نموده خست خلات
 اریخ تاج الدین خلیفه خویش باقی ماند قشندی یافته در بندر مبارک سورت شریف
 آورده رستمانی خلایق شدند چو بگریان حسب حکم آنجناب بنام مسجد در سو و اگر در
 نمودند و آنجناب در سینه طاعت فرموده به دران مسجد مدفون شد آنجناب چهار خلیفه
 بودند یکی شاه حسین که قبرشان در مسجد چو بگریست دویم شاه لطیف که قبرش
 در موضع بلدوده پرگنه چو راسی سورت است و آنجناب نعمت خود را ایشان سپرد
 که چون سن نزد من می رسید کلان شود با و بدید سیوم شاه مراد صاحب که فقیر صاحب
 کمال بودند و از دعای آنجناب سهراب شاه بمرتب امارت رسید و خطاب نیک
 ساعتان منتخبت شدند و هر سال عرس ایشان به بست و دوم ذیقعه از سر کار
 خان والا شان فیض شاه صاحب میشود و قبر آنجناب بیرون دروازه فرورانبند
 سورت است چهارم سید محمد خلف سید عبد الوهاب صاحب بعد از تحصیل علوم
 نعمت پدری را از شاه لطیف صاحب یافته در بنهای خلایق گشته در سینه رحلت فرمود

له تاویخ و نباشد سجد عالی بتجبه و بقانون تشدد یافت تشدد
 زبیرت الف و بالا چاره بود نبایش کرد سوسه ابن داود

متصل در خود فون شدند چون آنجناب را پسر خود و دختر خود را با تید عبدالحق
 همیشه زاده خود منسوب ساخته جانشین کرده است تید عبدالحق بعد از وفات پدربزرگ
 صاحب مرحوم تاجاوه نشین شده در شش ماه رحلت فرمودند و آنجناب را نیز دختر بود
 تید شاه صاحب خلف پید مرتضی بن تید صدر الدین رحمه الله علیه که و اما و سید
 عبدالحق صاحب بودند جانشین شدند باید دانست که تید مرتضی را سه خلف بودند یکی
 تید شاه صاحب موصوف دوم قاضی میر سیف الدین المعروف بجه فاضلی منصب
 قصات ندر بهار که سورت داشته و در اولاد ایشان میر خلیف الدین صاحب
 و غیره تا حالت تحریر موجود اند و قاضی میر سیف الدین را دو فرزند بودند یکی
 قاضی میر کمال الدین که در جنگ علی نواز خان در سورت شهید شدند و دیگر میر فخر الدین
 پدر میر خلیف الدین موصوف بیوم تید و جیه الدین المناطب خان جهان خان که در
 محمد شاه و احمد شاه صوبه کبک را بوده و بهادر علیخان بن سید علیخان را که دختر
 بوده که با تید شاه صاحب ولد سید معظم منسوب بودند پیش از سید صابقی بر پشاک خلائق گشته و در سید معظم
 خلف تید شاه صاحب رحمه الله علیه عالم و عارف بوده بعد از وفات پدر قایم مقام شده
 در ۲۵ رحلت فرمودند تاریخ از همسایگی معطی

سید محمد زین العابدین علیه السلام کاشف اسرار حقیقت نشان عارف و دانی حقیقت بیان بود از اطفال آنی همین سید باطنی منزهت و ان
 نظاره مساجد اولی گوهر بکریم بیکران ذات کریمش یک بهترین و منجی بشر خلائق میان کردی علم کمال کتابت و دو قرن بدو زمان
 لایق کن چون بانی غم سفر کرد و بارالان علم غیبی تعلیم گفت قطب ان وقت سید جهان تاریخ خان نادرش این غم گنبد از فوق
 که گمان بجز تیر نیز نماند درین بیابان آسنگی دمی گدشت با کام خویش که آن مردان گنبدین بود و در سیادت یکایک آن مردان
 چه بیابانی با هم بنتین سزا کردین پیشوای اهل حقین سپهر کلمات سید عبدالحق نیابین در دست سال تا پیش کرتا چون سید
 باشد بر دانتیق که گمان بل آمد از عالم غیب که ای بنوط دریا و استخرن بجز زمین خود جای بجز بیابان نمی خورد و زمان
 از زمین باقی ازین نظر که بعلای اصل سوزنی جمال پر تو حق و سید عبدالحق که حسن علیخان پسر خان جهان اند

سید مکرّم خلف دویم شاه صاحب بعد از وفات برادر قائم مقام شده
 در سنه رحلت فرمودند سید عبدالحق المعروف شاه صاحب خلف
 منظمیم صاحب مرحوم بعد از غم سجاوه نشین شده در نهایت خلایق شد و در سنه
 رحلت فرمودند و آنجناب را چهار فرزند بودند سید زین العابدین عرف بڑا صاحب
 تارک الدنیا بوده در سنه رحلت فرمودند و سید عبد الواب عرف میر صاحب
 عالم و عارف بوده بیا زویم جادی الاولی^{۲۲} رحلت فرمودند و سید محمد معظم
 عرف بابا صاحب عارف بوده بیا زویم شوال^{۲۳} رحلت فرمود و حضرت سید
 فخر الدین عرف سید صاحب عالم و عارف بوده بیا زویم باو بیع الاول^{۲۴}
 رحلت فرمودند سیادت و شرافت پناه فضل المحققین حضرت سید عیاش الدین
 صاحب سلمه اللہ تعالیٰ خلف سید شرف الدین صاحب مرحوم که موج ضمیر منیر مھر تنویرش
 اشعه انوار کتب الہی و صحیفه خاطر عالی مارشش محیط لوا مع حقائق اجبار حضرت
 رسالت پناهی نیتہ شامل مصطفوی از مشارق جمال خستہ مالش طالع و شمشعہ
 آثار فضائل مرتضوی از مطالع خصائص علم و کمالش لامع طبع پاکش از اقسام فضیلت و
 کمالات پرور دہن و تراکش نقادہ سنون علم و ہنر منشورات مؤلفاتش شامل
 سخنان سبحان بزبور جوہر بلاغت ارستہ و منظومات مشتاش مانند لآلے
 بحر عمان رشک فرامی^{۲۵} نسبتی از ہر مصوران عالم و ماحی تصویرات ہنر پروران

۲۲ سید عبدالحق المعروف شاه صاحب در سنه ۱۱۹۰ رحلت نمودند تا در پنج بہت و دو شب شب
 مسم ثانی جاد سید عبدالحق زرق پوشتہ شد ۳۰ سنہ در وقت ایشان بہ تجارت سوداگران
 ہستیان فتور یافتہ کہ چند کس ماہجرت کردہ ہستیان رفتند ۱۱۱۱ ازین جا اقامت ہستیان
 بوسہ منہوم میشود ۱۱۱۱

بنی آدم رشحات خامه بدایع نگارش لبان خوبان گلزار اول فریب و تراب گلک
 آثارش همچو عقد جوهر مکنون پرزیت و زریب و سر مولد شریف باواز
 خوش و صوت دلکش با مر و عطا و نصیحت می پردازند و بعبارت لائقه و اشارات
 رابقه معانی آیات بنیات کلام الهی و نحو امض اسرار حدیث رسالت نهای صلی الله
 علیه و آله و سلم را همین مینمایند خدا تعالی ذات ستوده صفات را بر سر متر نشان
 سلامت دارد و آمین یا رب العالمین جناب سید محمد صاحب خلت بین العابدین
 بڑا صاحب علم و فضل است بیاورد بعباد مشغولی دارندند سلامت دارد
 که از اکابرین این شهر اند حضرت شاه عبدالرسول قادری رحمۃ الله علیه خلیفه نور محمد
 که قبر ایشان در بندرسورت و رباطه حاجی چنگیز متصل دروازه بریاوست ایشان
 خلیفه محمد شریف وی از محمد یاروی از محمد اسحاق وی از سید گداوی از سید سکندر
 از شاه کمال کتیلی قادری ضوان الله علیهم اجمعین یافته از شاه سیراویار و قطب گجرات
 بوده عمده التجار شیخ محمود مرحوم جد کلان این حاوی اوراق مریدان جناب بودند
 تا بیخ پنجم ماه ربیع الآخر رحلت فرموده و راجد آباد مسجد کلان نزدیک نیک
 محل مدفون شده تا بیخ رهنمای سالکان فت تا بیخ ختم بیان به
 تا بیخ بروز پنجم ربيع و نهم بوده سید الواعظ رحمۃ الله
 علیه از شاه سید علما راجد نواب تیغ بیگ خان در بندرسورت بودند و بر شیخ

حضرت میرغیاث الدین صاحب تبایخ دو از دهم ماه شعبان الحظم ۱۲۵۶ ازین سده
 فانی بسرای جاودانی انتقال فرمودند از ایشان دو پسر اند اول سید فیاض الدین که پس و پیش
 ۱۲۵۲ رحلت نمودند و دوم سید شرف الدین تبایخ آخته شعبان ۱۲۵۳ انتقال فرمودند ۱۲

شریف قائم حکامان را سر مجلس بسبب واقع از امر و نواهی میمنت بودند و در آن
 اقوام محمد و نیا آنجناب را بشهادت رسانیدند چنانچه در اولش در ضمن احوال
 در تواریخ مرقوم یافته در موضع ثوکی اندرون حصار عالم نپاه صورت در مسجد خود
 مدفون گشته تاریخ آه سید الواعظین تاریخ واعظینان
 سید اسماعیل خلیف سید علی الواعظ رحمة الله علیه شایه پیر علما در واعظانند رسورت
 بودند و کار وین سعی و فوره بجای آوردند و بست و یکم ماه صفر المنطقه ۱۱۲۸ هجری
 نموده در جنب پدر مدفون شدند سیدانم این سید اسماعیل رحمة الله علیه بعد
 از پدر رسنمای خلایق شده بختی زدی الحجت ۱۲۲۱ هجری رحلت فرمود سید عبد الرحمن
 عیدید از اولاد سادات آل باعلوی بودند از حضرموت در هندوستان تشریف
 آورده دستید زین عیدید خلیف آنجناب در ۱۱۵۳ هجری رحلت نموده در او زنگ آباد
 مدفون گشته و سید عبد الله عیدید در بندرسورت تشریف داشته به بست و پنجم
 جمادی الثانی ۱۲۱۱ هجری رحلت فرموده در مسجد علی باعبود مدفون گشته و سید عیدید
 خلیف سید عبد الله عیدید بعد از پدر قائم مقام گشته از سادات اکابر این شهر بودند
 بیوم رجب المرجب ۱۲۳۹ هجری رحلت فرمودند و سید حسن عیدید را در شمدنی و جاوه
 بوده در ۱۲۵۶ هجری رحلت فرموده و موضع بیانه سورت از حضور بادشاهان هند
 بصارف بزرگان ایشان مفوض بوده سید عبد الله حیدر او نیز از اولاد
 باعلوی اند از کرامات آهین با موم ساخته بخت او لقب شدند سید عبد الله بن سید محمد
 بن سید عبد الله حیدر رحمة الله علیه در هندوستان تشریف آوردند به دو از دهم
 شوال المعظم ۱۲۸۱ هجری رحلت فرموده و در ۱۲۸۱ هجری در چهار ساگی از ایشان چهار پسر خلف باقی

پید محمد و سییدی و سیدزین و غیره و سیدزین صاحب کمال حیات از تجارت
 بسری بزرگ شاه علاء الدین صاحب رحمۃ اللہ علیہ فقیر صاحب کمال بود شیخ محمود
 جد کلان حاوی اوراق معتد اجتناب بوده کشف و کرامات ظاہر و اشرفه بیچال
 ساله رحلت نموده در مسجد مرجان شامی بر سر قبر شیخ محمود صاحب مدفون اند
 حضرت میر شاه عجد اللہ رحمۃ اللہ علیہ تولد آنحضرت در لاهور شده بعد از
 علوم فارسی بار او بیت اللہ وارد و نذر مبارک سورت گشته روانه کتک معطر زاد
 اللہ شرفاً و تعظیماً گشته بعد از فراغ حج به برهان پور رفته از مولانا غلام محمد صاحب
 تحصیل علوم عمیق نموده چونکه محبت بود تخلص خود را تحت نام خود نموده بودند ترجیح
 در مدح سرور کائنات صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرموده اند که بدانند و معنی افتاده
 که نام استاد دوم شد غلام محمد بوده **بند**

آسود مغز روح بدام محمد است	امی آنکه من فدای غلام محمد است
----------------------------	--------------------------------

اکثر غزلیات و رباعیات آنجناب در فارسی وارد و مشهور اند یک رباعی تبرکات
 تحریر یافته **رباعی**

بیخ دولت سخن نیک شنیدن باشد	چون صدق گویش کند قطره گهر پیدا کرد
از زر و سیم تحب و سطلب جمعیت	گل شد آشفته از آن روز که ز رسیدا کرد

بعد از رحلت حضرت مولانا غلام محمد مرحوم از برهان پور در بند رسورت شریف
 آورده در مسجد ملا صاحب سکونت فرمودند کاش خوارق

سید زین صاحبت نمودن ایشان از یک طرف سید عبدالرحمن مدد او خدا سلامت دارد ۱۲ ساله مسجد در چکله طابان
 علامت طیب است ۵ دهن صاحب بگیس و گو ۵ جامع سوره طیبیت ۵ این تاریخ بزرگوار از انظار علی بزرگوار در سنه ۱۲۳۵

عادات از آنجناب بظهور رسیده از بیصارت ظاهری بسبب بسیار مطالعه کتب
چشمانش عاری گشته بودند مگر چشم دل شان روشن بود فواب وزیر عماد الملک
غازی الدین خان وقتیکه در بندرسورت تشریف آورده مقتدا آنجناب گشته
و از آنجناب حتی الوسع ترک سنت نبوی صلی الله علیه وسلم نشده تا اینجاست و هجدهم
ما ذیقع الثانی سنه ۱۲۰۰ رحلت فرموده در مقبره مولوی خوب صاحب متصل در وازه
سید پوره مدفون شدند مولوی عبدالاحد صاحب با کلمه تاریخ وفات گفته

سلا له خیر الخلق من الیها شعر
و ان ربنا غافر الجرائم
مستم بعبد الله محرم المکارم
و مستجماً احقا صفات الاکارم
اجاب سریعاً طالباً للغنائم
لا کره وجود و افضل راحم
و فی جمعه قد نال دار المراحم
فقله وارخ مسقطار اس اشهر
کذا الیوم ثلوثی مولدی موت عالم

ترقی الی الجنان شیخ العوالم
وقد فارق الدنیا و احترأهلها
و کان شریفاً عما ذاساحیه
مستخرجاً کثر المعانی بفکره
اذا ما ادعاه لادبر نحو شریبه
فناداه مولا و تقرب فاتی
ترقی فی ذیقع الثانی عن ذرة شهره
لفذ کان شیخاً کابلاً اجلاء عامه
فقد تلّم الاسلام عند موتها

و حافظ ابراهیم قاری گفته

تاریخ

که گنج علم شد مدفون در خاک

بر آمد غلغله از زیر افلاک

سه در مسجد سیدی غیره که همان مسجد مولوی خوب صاحب مشهور است ۱۱

بقوت آن امام رسنهایی
 بدعبد آمد نام ذات انور
 بعلم و سلم و تقوی بود کمال
 شب جمعه ربیع الثانی بوده
 شده بر جلد عالم سخت تمام
 سر بدین بریده کرد رحلت

و شیخ و مقدماتی پیشوای
 ملقب میر صاحب آن منور
 کنون با رحمت حق گشت اصل
 ازین وارفا رحلت نموده
 فلک از مه کشیده خشم
 بخت رفت سست گشت حمت

مولوی عبد الاحمد از قبضه باکله بودند و شاگرد رشید میر شاه عبد الله صاحب مرحوم عالم و عارف بوده به بعد هم جاوی الثانی رحلت فرمودند از آنجا چهار فرزند که هر یک بعلم و تقوی معروف بودند عقب مانده شیخ عبد القادر مبین مولوی عبد الاحمد فاضل عصر بوده رحلت فرموده خلف ایشان زبده ارباب دین خلاصه اصحاب یقین محمودة الفضائل مجموعه الفضائل شیخ محمود سلمه الله تعالی طالب علم و متقی اند خداستاد ارواحی علوم معقول و منقول جامع فروع و اصول طایف فضلاء زمان مولوی عبد الرحمن المعروف میثامیان صاحب خلف و یوم مولوی عبد الاحمد عالم و فاضل قاری اند

در تسمیه عبد الاحمد اعتراض شرعی جا دارد و اندوی عرف و قبائل عرب که باین اسم دیده نشده برین قیاس مفهوم میشود که نام ایشان باشد عرف عام برای ادب بعد از سوزن گشته باشد و از سوزنیش نیز سوزاننده فاضلی همی بود ذکری شیخ محمد صاحب قبیل قلم از علم بزرگوار خود مولوی ابوسعید صاحبان مولوی جیل صاحب توفی پر سرکار بوده کاتجارت جاری داشت بنای خود فریغ الاول داعی حق با بسک اجابت کرده در مقبره سید محمد عبد الله الیحدوس فون شد تا او را ختم العبدین و دیگر مردم بود پادشاهان وقت دیگر محمد سلیم شیخ محمود از ایشان در قطر در سمرقند سید سلطان مجمع خوبی شیخ احمد باکله سلمه الله تعالی از یک پیشین محمودت در پرده مادوی منقول طایفه و اصول مولوی عبد القادر صاحب باکله که اولی قلم است و در علم فاضل و دیگر علوم افتخار است و از توفیق ایشان ذیخ مقدم جسته شده و شیشه آسانا کسب بجای آورده از غیبت تا آمدن منیران مولوی شیخ محمد ساکن محلی شریع جو پر سینه منشی گری بی شایسته بفضیله مال کرده اند از تصانیف ایشان تخته انقیرالی من اجتر علی سلم با کفیر در دوابی است و تخته اشتاق فی احکام الملاح و الاغواق در تخته شایسته در رساله در حکم قدوسی از کار تجارت هم می کنند سلمه الله تعالی از ایشان سپهر بیان علی و میان حسن و میان ابوسعید اند که در میر آ باد کن انتقال نموده خلف الصدق ایشان مولوی حسن صاحب باکله و مولوی محمد صاحب باکله بودند بر در بر منصب خود و متناز بوده دلی شده که آنجا رحلت نمودند از مولوی حسن صاحب باکله که خلف مانده و با میان علی عبد القادر منسوب بوده از مولوی محمد صاحب بر سید آ باد کن موجود اند ۱۲ -

و گاهی در بند رسورت و گاهی به حیدرآباد شریف میدارند سلسله اشده تقالی
 شیخ ابومیان خلف سوم مولوی عبدالاحد ششمی و طالب علم و خوش الحان بودند
 بیشتر ذوقیقه اشده رحلت فرمودند صاحب عظمت و کثرت تاصح ارباب دین
 وقت کامل علوم فلسفی و اصل قرب حقانی قدوه ارباب درس و تعلیم حلقه اشده
 تلقین و نیم مولوی محمد ابراهیم المعروف معلم صاحب سلسله اشده خلف چهارم مولوی
 عبدالاحد اجسل علماء شافعیه و برین ضلع اندام حال در بند

این معلم شیخ ابوسمیع صاحب بیخ و تقوی صاحب باطن صاحب حال بودند اگر چه در پیشانی و پشت گردن معلوم است
 بر چانه و پیشانی قدی کافی و طبعی اتنی حاصل بوده مسایل هر چهار مذکور که لا محاله بودند از انان فکر و علم حضرت بر عقده به نجات آسانی
 مل می گردید اوقات صبور بودند کشته خون عادات در ظهور آمد سکونت در بنی میباشند و از عمده تدریس طلباء رسیده محفل ترمج
 مسجد بیعتی متاثر بودند چنانچه بسیار از شاگردان ایشان عالم حیدر مولوی و صاحب علم و عمل تا ایندم در بنی موجود اند و از تصنیف
 ایشان کتاب تحفه الاخوان در فقه شافعی بسیار بیشتر رسیده و نظم الاقتباه هم تصنیف ایشان است و نیز حضرت مرحوم تاسو و از جمله
 خطیب جامع مسجد بی بودند بحالت دقا و اوقات بسری کرده تباریح نسبت و بنظم ماه رجب المرجب اشده رحلت فرموده در مقبره سینه
 محمد بن عبدالعزیز در سن مدفون شده تاریخ و فرضی الله عنده تاریخ در سراج المؤمنین رفت از زمانه ایشان از چاه
 فرزند بودند او شجرت پناه شیخ علی مرحوم که عالم و فاضل بودند در این زمان منقذ گری سیرگارا و گزیز با در پسند شده در زمین حیات و در خود
 تاریخ ستر ماه ربیع الاول اشده رحلت نموده در مقبره علی بن عبدالعزیز در کس عتب مدفون شده تاریخ در داخل غله در این
 یک خلف اشده کریم الاطلاق شیخ محمد صالح که هم با سنی اندامه که در آیین محبت و مروت فطرت دارند و در خوشنویسی ظاهری و قاری
 کتبی این شهر از چند سال بدوس رسیده کاری بوده الحال در کار تجارت مشغول اند سلسله اشده تقالی و دوم سپهر علم ابوسمیع حاجی احمد
 اشیر عین جامع علوم ربانی و اوقاف موز حقانی مولوی عبد الحمید صاحب مرحوم که در زمین حیات در برزگر از خود در عمده تدریس کلاس
 جامع مسجد بی و خطبات مسجد کور از نیت بخشیده در علم فرائض و حساب ربانی چه در بنی و چه در رسورت بلکه در اعطای فقه خود و هشتاد تاریخ
 دوم رمضان شمس در بنی وفات کرده در مقبره سونا پور مدفون شده تاریخ در محضر خطیب عبد الحمید و تاریخ در مسلم حیدر عالم خطیب
 از خود گوی عبدالملک مولوی با تقاد و جلیگر و تاریخ در ریاضه سترگ از در بنام و در بنی از شام شده صبح امید و بهجت از داره تالیف اشده
 که اشده در جامع بر عالم و چه با هر در قرآنش بود ساس و زهی علم فرائض دان گنتم و تاریخ در قن کان خطیباً تقیاً و تاریخ در کان بصیرت
 الخیر و از ایشان یکی شیخ عبدالکافی صاحب مانده طالب علم از سپهر علم صاحب بحر فخری عبد العزیز صاحب که از علم طب بهره در اند و در
 شیخ سلب جاری کرده اند سلسله تقالی و چهارم سپهر علم صاحب چه در ارباب دین علامه اصحاب عین مولوی شیخ محمد عرف عبدالعزیز صاحب تقوی کتبی
 در کوش خلق بیجا در دواورش بعد خطبات جامع مسجد بی کایم اند و در هر صفات و ادوات ثانی اب و اوج خویش اند خدا در نگاه سلامت دارد
 و از شاگردان مسلم ابوسمیع صاحب اندر شد شاگردان صاحب حاج فضل و کمال مولوی عبیدالله بن سید نورالله قادری بودند که ایشان در علم
 فارسی و عربی در کنگر ات کامل بودند علوم حدیث و فقه و فصاحت و بلاغت صاحب فلسفه و منطق و غیره و در کمال حاصل بود او عالم از حضرت
 مسلم ابوسمیع صاحب تحصیل نموده بعد از موت و بنی فتنه سیدت حضرت مولوی عبدالعزیز صاحب کثیری که عالم علوم فقهیه و باطنی و صاحب کفایت
 مستغنی گشتند و در اکل زمان مشغول نظر است که خود مولوی کثیر بیجا گشته نعت روحانی حاصل ساخته در شوق عملیات و عبادت و اعتقاد بوده
 چونکه طبیعت تجرد پسند بود و ما شاد و شاد در کنگر که شاد از رفعت قیام نموده در انشای شمس ادرار ریاست نه و مشغول که در کتبی و
 مشهور به مشغول و قانینت سکونت در زندان تا آنکه در شمس ادرار تاریخ شمس شوال بهر شمس و سبکی بیکی من را اجابت فرمودند و در
 سید محمد م جهانیان بر لب یا آسوده مرحوم نهایت خوشنویسی بی و کتبی بوده در انشای کتبی زمانه بودند حال از ایشان زیاده از خطیبان
 است آذینهای ذیل سید عبدالقادر خلف شان گفته و چه در تاریخ و آئی نگذات فی المشکو و موتا به که خطبه الاله کان خصیب
 خطبه اشده کتبی از النبی و حق الرضوان که تاریخ فاد حبه کتبی و الاله کنی مصر مشکو و مقامات که قضا علیه در قرأت علی بن ادر
 بجهت به من الرمان الطاف خصیه و تاریخ با شمس که در اول ارا زوفات پرده جا ابراهیم شمس گریان بیعت و از ایشان دو
 خلف عتب مانده اول عالم از هر تقوی ساک ساک طریقه بی جمع غری سید و تر و عده حرم اشده بعد حیت حال رسورت کمال

تشریف می دارند خدا تعالی بپسند زندان سلامت دارد و سید عبد الکریم عظیم
رحمة الله علیه نسب شریف با امام علی موسی رضا رضی الله تعالی عنه میسر
از شاگردان پیشاه عبداللہ صاحب مرحوم بودند در عیشان گوئی از عارفان
زمان خود بوده با خوارق عادات از آن جناب بظهور رسیده غزوه ماه محرم ۱۲۳۵
رحلت فرموده در سبب متصل مکان خود مدفون شدند منشی عبد الحکیم تاریخ گفته

چونکه از دنیای دن در خلعت خواسته
و اصل در یابی حق آن عارف باشد شد

گوهر در برج سعادت شد عبد الکریم
پس عقلم بد گرفت و بهر تاریخش گفت

تکمیل علوم عربی از علم محمود صاحب با علم مرحوم فارسی علم خود کسب کرده حصول کتب علم روحان از بزرگان میگردد بیست و بیست
بیت مام ایل مولوی حسین صاحب شایسته پوری او را فرا نام وقت عمر بر روی تاریخ نیم ربع آن کتب است که در دسترسند از اهل این
العیس من فون شده زود شنویس بودند رتبه اعلیٰ برادر زردشان عبید القادر تاریخ وقایع چنین گفته تاریخ و انجا گفته چو شد سید
نیکی مستان شیخ سوئی را بقا بنوا از قید حیات تا برسد از پی تحصیل نیکبایم تا فراهم کردند در بابیات الصالحات و توشه اعمال چون این
جهان حاصل نموده که ذکر عاقبت از پیش در عین حیات و عزم و استقامت زینت چون راجع نمودند بهر استقامت و در اقرار آن ذی صفات
تادم آنچه هیچ استنش ننده و پیش جنابش بودند تا است از دنیا شد مگر شیخ در فرقی حال او شده چو دید به دست آگریه و غار بر سبب آن غایت
داسن دنیا پیشانید و ما پیش محبت و کثرت خرفیال چون دست از قید حیات تا تاریخ به گذر از جو که هر چه گذرید از کسی بر دیار بر روی
بر کریم بوسی بر و تیرای سزای دنیا و آخرتین زبان یکی بوسی بر دانی او کی کسی چه چو در آنجا کسب بر یکدیگر است و هر یک یکی
یا در جگر خور سیری بر و سید علی شویحالی بس ایکنه در گذر به رحلت ای که گفته که آئی ای بی پرده دل ابر کا پناج هم سو تو سال کما و نور خدا
بر ستای مرتد علی بر بدوم خلف سید عبداللہ مرحوم صاحب علوم فنون بیاد پناه سید عبداللہ القادر که در آثار کلامه او نوشته تحصیل علوم عربی و کلام
از زیادات ۱۲۳۵ سید محمد صاحب مولوی خود از فضیلت استاد مسلم شیخ محمود صاحب با علم نوره در علم عرض از ارشد قلم سید حضرت سید علی صاحب
نشین سید بن عبداللہ السید رسول صاحب تخلص سید سید ارشد و شرد در تاریخ گوئی معانی دانی بهم رسانیده چنانچه تاریخها و بر شایسته
گواه اند و هم نظم و شعر خود و چنین گفته سید صاحب تخلص آن از مرحوم صاحب کلامه کرده مجموع اثر از خیال تاریخی نام نمانده اند در طبعه ساله
تیرم سلاها مجرا و نوحه ماه جوگی نامه غیره تصنیف ایشان در اهل است و نیز دست بیت بدست حضرت مولوی محمد حسین صاحب شایسته پوری
داده اند در علم انگریزی هم استاد و سید ارشد مالک اسرار که از گریز بباد بر عهد بیماری اسپیکر بوده تی علم سیریم هم هستند چنانچه حق همین ارد
و اردو ترجمه دیگر که در او در حالات سیریم از بیانت حال یک ساله در کتابت سیریم نویسد که تمام است سلاطه کتاب از ایشان کتب
اسید که تمام شیخ مولوی صاحب در اردو برادر سید عبداللہ صاحب سید محمد که در کلامه او نوشته و نیز شرف قلم سیدی از معلم ابراهیم صاحب کلامه بودند
و از تحصیل علوم عربی و کلامه و نیز سید بزرگ صاحب تخلص شویحالی فارسی و دنیا چنانچه دو جلد شکوه شریف بنیاد علی از ایشان با تجارت
بنام او پیش سال عبره جاده ای شایسته است در طاعت نوده مقبره سید علی السید رسول مدفون شدند تا در شیخ رحمت حق بروج پاکش بود
بجشن رفت مولانا محمد و در ایشان نمایان سبیل و لودا و دومی شیل ساکن بر یا تو که احوال در سورت سکونت در زیدیه تجارت فرما

این تیره سببند که در آن تاریخ از آن صاحب شایسته پوری که در آن سبب است و در آن تاریخ است و در آن تاریخ است و در آن تاریخ است

تقوی شاعر و توزع آثار و بر سر استغیثم دوی پیل عیسیم عبید کریم المومنین
 بسیار صاحب خلف همین آن مرحوم طالب علم اند خدا سلامت دار و حکیم
 عبد اللطیف صاحب خلف شیخ غلام حسین صاحب مرحوم رحمه الله علیه صلوات الله علیه
 پخته از آنجا در او تبیین آمده ساکنت نمودند و از حکیم پیر و شاگرد حکیم ارزانی تحصیل علم
 طب نموده سبقت بر اطباق عصر برده و از آنجا در بند در بروج و سورت تشریف
 آورده به ندیمی نواب نظام الدین خان مرحوم ممتاز شدند
 و از پیشه عبداللہ صاحب مرحوم تحصیل علوم عبیه نموده عالم و عارف بوده
 پانزدهم ماه صفر ۱۲۳۵ رحلت فرموده در مسجد مرجان شامی مدفون شدند تاریخ

حکیم عبد اللطیف کان حاذق الی و ان بحکمت

از آنجا که فرزند عفتان ذکری محمد دانور صاحب سلمه الله تعالی دوم حکیم منصور صاحب
 سلمه الله تعالی سیوم حکیم شمس الدین مرحوم که بجز بست پنج ساگی بست کسوم
 ماه جمادی الاولی ۱۲۳۵ در بند رسورت رحلت فرموده در مسجد مرجان شامی
 مدفون شدند قدوه انخل حکما رسوه انامل علماء شیخ ثانی مستخرج قانون عیانی
 اسرار امراض رافع استار اعراض حکیم محقق کامل طبیب مدقق فاضل جالیوس
 فلاحون منظر عالی قدر حکیم محمد افور سلمه الله الاکبر تحصیل علوم از سر شاه
 عبداللہ صاحب مرحوم نموده و علم طب از والد ماجد خود تحصیل فرموده امروز در حکما
 این شهر انداز مفرج سخنان حکمت امینه ایشان ساعت بیاعت قوتی بدل و
 جان سپرد حق تعالی ذات عالیه را سلامت دار و آنجا را او فرزند از

سه چند سال گذشت که وفات یافتند

یکی بقراط زمان ارسطو آوان ج ارسطو منصب جانیوس مقوی ارواح و مریی لغوس
صفوت آئین حکیم غلام محی الدین طالع سلم و معنی علم طب از جد امجد خود تحصیل فرموده و درین
فن از عاب پیاران دیدیفا وارند هزاران بیمار از و ارا الشفا ایشان مفرج جانفرا می
و نکات دلفریب ایشان خاصیت شوح دارد و مطابقات غریب و عمیقش کیفیت کن
صبح آرد و خواب محبت و مطلق آئین حکیم محمد کمال الدین خلف دوم حکیم صاحب
موصوف حافظ و متقی و پرهیزگار و جناب حکیم غلام نبی صاحب و اما حکیم صاحب
موصوف صاحب احشاق و خوش مزاج و طالع سلم اند خدا تعالی ذات
صاحبان را سلامت دارد که بر این رستم اشفاق ولی میزدول میدارند آئین با
رب العالمین بعد از راج این احوال حکیم محمد انور صاحب بتاریخ چهارم ۱۳ ماه
ربیع الاول ۱۰۶۵ بر روز پنجشنبه در حیاتی مؤلف انتقال فرمودند تاریخ نشان گفت

تاریخ

حکیم بحکم حادق دوران بوده
چهارده روز برآمد ربیع الاول
زهد کم شد ز فاشس بیان گفت

بوعلی ثانی و لقمان و سلاطون منظر
بود چشمنه که از دار فنا کرد
شد به فردوس بین جایی محسنه نوز

بود حکیم که در بیابان میبود از شهر کوفه آمد و در آنجا در بین کتب و شفا نویسی گذرانید

حکیم محمد انور مروج را که حکیم عارف ثریان هم بوده که علم طب غیره از والده حکیم غلام محی الدین بر او خود تحصیل کرده و در کوفه
بیرون شده بمریضا مرمت سال تا پنج وقت در کوفه بجای آورد و الا بی وقت بود و انتقال کرد و در کوفه واقف بود و سکن بخت حکیم غلام
مروج در کوفه برای حج بیت الله کرامت وقت بازگشت در ۱۳۰۰ هجری پیر گزیده و در کوفه در شفا پذیران ایشان و در کوفه غلام
چهل شده با کوفه کی بدگری غایت یافتند و پسر غلام معروف صیدان طریق آبادی جا کرد و از ایشان یک پسر عمده داشت و پسر چهارم صاحب
در ۱۳۰۰ هجری ملت نموده و پسر غلام محی الدین کمال الدین ۱۳۰۰ هجری در امان است ۱۳۰۰ هجری حکیم کمال الدین در امان است در امان است در امان است
از علم و عمل بهره دارند بر سر سرازاری اند حکیم غلام محمد تاریخ ۱۳۰۰ هجری در بیابان ملت نموده و در جنب قبر موه و غر و در حکیم مروج
از حکیم غلام محمد صاحب ایشان مروج غریب مشرف غلام حسین ریشخ علی میا نصیب کار از حکیم ۱۳۰۰ هجری وفات محمد انور کسی گفته و تاریخ

تاریخ

بزرگ رفت چو او سو جهان ضو ان گفت | شد به خات عدن جائے محمد انور

و دیگر شاگردان پیشه عبداللہ صاحب مرحوم سید واعظ مرحوم و سید صالح
 صاحب سلمہ اللہ تعالیٰ و حافظ ابراہیم مرحوم و محمد شاکر و محمد حسین و اعظما میان حسین واعظ
 و عبدالوہاب خان و اعظما رحمۃ اللہ علیہم جمعین کہ ہر ایک بڑی تہ نصیلت سیدہ رحلت
 شیخ عبدالقادر قادری رحمۃ اللہ علیہ سبب نشین قادریہ و رہنبر مبارک سورت
 بودند ششم جادی الناس سلمہ رحلت فرمودہ حافظ عبدالرحمن قاری
 رحمۃ اللہ علیہ حافظ جید و صاحب کمال بودند و مسجد خواجہ دیوانہ صاحب در سبب
 مبارک سورت سکونت اختیار فرمودہ بودند جناب خفائق و معارف آگاہ قابل
 زمان زبدہ علمای ربی حشر الزمان ہادی راہ بسیل حضرت مولوی اسماعیل صاحب
 سلمہ اللہ تعالیٰ از شاگردان آن جناب از بھر شہتا و شش ساگی بیاز و ہم صفحہ
 رحلت فرمودہ و در خواجہ صاحب مدفون گشتہ حضرت سید عبدالکریم
 قادری خلف سید سلیل بن سید عبدالرحیم بن سید صبر بن سید حسین بن سید عبدالقادر

بر شان در مسجد ہیگی پلیدہ مقابل قلندہ ست صاحب کمال بودند و مولوی اسماعیل صاحب مولانا سبب پنجم سوال شدہ رحلت
 فرمودہ در مقبرہ مسجد سگرام پورہ مدفون شدہ از لفظ فروغ تاریخ و تاش بری آید از ایشان ہفت پسر عقب ماندہ از ان مولوی
 محمد صاحب محرم کہ در فن و عفا کیا بودند از فائدہ خویش بہ برادران قابل خود را فائدہ میرساندہ تاریخ سلخ ذی الحجہ ۱۳۱۴
 رحلت نمودہ حالہ بجای شان صاحب علم و عیا مولوی عبدالغفور صاحب برادر ایشان از سلمہ اللہ تعالیٰ و ہفت کس ازین قبیلہ
 حافظ قرآن مجید اند کہ از ان حافظ عبدالحمید و نصیلت پناہ حافظ عبدالحق ابن مولوی اسماعیل صاحب مرحوم در مسجد
 بن عبداللہ العید مدرس در راہ رمضان المبارک حشر قرآن مجید در تاریخ کی گشتہ اند

ابن سید عبد الرزاق بن سید محمود بن فرج الله بن سید محمود بن سید علی بن سید رجب
 بن سید علی بن سید احمد بن سید شیخ ابو بکر عبد الرزاق بن حضرت عوث الاعظم
 عبد القادر گیلانی رضوان الله علیهم اجمعین ختم خلافت از سید صالح قادری و
 بعد اوی سجاوه نشین قادریه یافته در عنقوان جوانی وارد هندوستان شده در
 سورت سکونت فرمودند بسیار امر او عشر با مقتدوم و مرید آن جناب گشته تاریخ
 هجرت ماه جمادی الاخری سال ۸۰۰ هجری بمکه مهاجرت فرموده نفس مسطر انوار
 قرالده که حشمت جنگ بیاورد نواب سیدی ابراهیم خان بهار زالدوله نصرت
 جنگ باور و بخشی صاحب میر معین الدین خان باور و غیره تمام اکابران شهر و
 سعادت گرفته و رسیدند خواجده صاحب ناز خبازه او انوده مغل سر متصل مکان آن
 مرحوم مدفون ساخته از آن جناب چهار خلف عقب ماندند سید عمر صاحب مجدوب
 در بغداد شریف مروند و سیادت پناه سید عبد القادر و سید عبد الرزاق و سید علی

تاریخ وفات سید عبد الرحیم صاحب تاریخ فرزند پیر دستگیر و سیادت پناه سید عبد القادر صاحب تاریخ که هشتاد و یک سال
 و دوم ماه محرم سال ۸۰۰ هجری در پهلوی پرخود مدفون شدند تاریخ عز و حیا پناه بود پسر گلان ایشان سید عبد الرحیم
 سید میان صاحب مقام اندو پسر و کرم حسن صاحب سلسله تکالیف حسن ولد سید عبد القادر تاریخ فرزند هم ربیع الثانی سال ۸۰۰
 رحلت نمودند سیادت پناه سید عبد الرزاق صاحب تاریخ فرزند ۱۰۰ ساله ازین جهان درگذشتند و در پهلوی پرخود مدفون
 شدند تاریخ و در فصل الفقه مولوی محمود صاحب گفته سید عبد الرحمن عرف جی صاحب تاریخ گفت در سفر فزایل که کی در
 آنست او در هزاره سال سید علی غم عبد الرزاق سیادت پناه سید صاحب تاریخ است و نیم ماه ۱۰۰ ساله جان بحق تسلیم نمودند
 و در پیکر تراعی محمد کریمی صاحب نقل باره در سید عبد الرحیم صاحب مدفون شدند تاریخ وفات نشی عقب الدین گفته تاریخ و حاجی سید
 بغدادی متوکل ز اهل استغنا بد ز اولاد عوث اعظم او بنیک نقل حسن سید صفا در شب است نیم ز ماه جب و رفت سید بقا ز
 فایده در سال ۱۰۰ هجری که گفته اند که فرزند از ایشان اولاد نازده و سی و هفتان باور و او و بیانی سید سبانی در کتاب ۱۰۰
 قبر سال پیش مستف فرشته و چو تیره از سنگ تمام در زیر نظر سید نبویان گوی سلسله و میان محمود مصری بنا ساخته اند و است تمام
 حسن ایشان میان عبد الله جبار الله و بعد از ان پسرش میان عارف جبار الله سیکر دند و حالا پسر میان عارف میان
 عبد الله جبار الله سلسله است

سَلَّمَ اللهُ تَعَالَى وَرَبَّنَا سُوْرَتِ اِنْذِخْدَا تَعَالَى سَلَامَتِ وَاوَدُوْ تَوْفِيْقِ عِلْمِ وِعَمَلِ وِدْوَرِجِ
 نَضِيْبِ كِرْوَانْدِ اَمِيْنِ يَا رَبِّ الْعَالَمِيْنَ شَاهِ فَخْرِ سُوْرَتِي رَحْمَةِ اللهِ عَلَيْهِ صَلَاتِهِ
 اَزْ قَوْمِ بُوْ اَهِيْبِ رَحْمَدِ اَبَا دُوِي تَكْمِيْلِ عِلْمِ اَزْ سُوْرَتِنَا اَعْلَامِ مُحَمَّدِ بَرْدَانِيُوْرِي نَمُوْدَه خِرْقَه
 خِلَافَتِ اَزْ شَاهِ پِيْرِ مُحَمَّدِ اُوْرَنُگِ اَبَا دُوِي يَافْتَه وِي اَزْ خَلِيْفَه شَاهِ بَا زْ مَلَكُوْتِ شَاهِ اَعْنَابِ
 صُوْفِي اَشْهِيْدِ كِهْ دُوْرِيْمِيْرَانِ پُوْرَسَنْدَه بَجَبُوْكِ مَشْهُوْرَسْتِ مَدُوْنِ كَشْتِه وِي خَلِيْفَه شَاهِ
 عِبْدِ الْمَلِكِ وِي اَشْخِيْخِ شَاهِي وِي اَزْ شَاهِ بِيَا دِ الدِّيْنِ وِي اَزْ مُحَمَّدِ وِمِ اَبُوْ اَسْتِيْحِ وِي مُحَمَّدِ
 اَبُوْ اَسِيْمِ وِي اَزْ مَشْرِئِ الدِّيْنِ وِي اَزْ بِيَا دِ الدِّيْنِ وِدَوْلَتِ اَبَا دُوِي وِي اَزْ اَبُوْ الْعَبَّاسِ
 وِي اَزْ مِيْرْحَنْ وِي اَزْ سِيْدِ مَوْكِي قَاوِرِي وِي اَزْ سِيْدِ عِيْدِ وِي اَزْ سِيْدِ مُحَمَّدِ بَعْدَا وِي سُوْرَتِي
 سِيْدِ حَنْ بَعْدَا وِي وِي اَزْ سِيْدِ مُحَمَّدِ صُوْفِي بَعْدَا وِي وِي اَزْ اَبُوْ صَالِحِ نَصْرِ فُخْرِ الدِّيْنِ وِي اَزْ سِيْدِ
 عِبْدِ الرِّزَاقِ وِي اَزْ حَضْرَتِ خُوْثِ الْاَعْظَمِ قَدِيْسِ سَرَهْ رَضْوَانِ اللهُ عَلَيْهِمُ اَعْمَبِيْنَ خِلَافَتِ يَافْتَه
 اَسْرَجَابِ دُوْرِنْدِ رِبَارِكِ سُوْرَتِ تَشْرِيفِ اَوْرُوْدَه دُوْرِ مَسْجِدِ مَرْجَانِ شَامِي اَقَامَتِ فَرْوَه
 تَابِيْخِ بَسْتِ وِشْتَمِ مَاهِ مَحْرَمِ ۹۹۹ رَحْلَتِ فَرْوُوْدَه سَهْدِ رَا بِنْجَاهِ فُوْنِ شَهْدِ مِيْشِه

عبدالله صاحب تايخ گفته چه تاريخ ده

شاه فاضل بود چون پير کمال	زین جهان سوی جهان گردانقال
پس بنام او بچو سال وصال	هسچ در خاطر سار اذليل و قال

شاه قطب الدین مرحوم بعد آنجناب جانشین شدند سید شیخ نور سوری
 بن سید الرحیم بن سید صالح بن سید الرحیم بن سید نور الدین بن سید درویش
 بن سید حسام الدین بن سید نور الدین بن سید زین الدین بن سید شرف الدین بن
 سید منصور بن عبدالسلام بن سید ولی الدین بن سید شمس الدین بن سید محمد بن سید

محمد تباک بن سید عبد العزیز بن سید حضرت غوث الاعظم رضوان الله علیہم اجمعین
 از پنجاب وارد رندرسورت گشته عارف وقت بودند حاجی داؤد صاحب که
 سابق عتیق شیخ محمد فاضل جدرہم بودند در بغداد رفته خرقة خلافت ارسید
 صالح سجاده نشین قادریہ یافته در رندرسورت زاویہ ساخته وقتیکہ سید فتح نور
 تشریف آوردند ایشان در زاویہ جا داده از حاجی داؤد صاحب خوار و عیاش
 بسیار بظہور رسیدہ چون وفات نمودند ہمدان زاویہ مدفون شدند و سید فتح نور صاحب
 در ۱۲۳۵ ہجری رحلت فرمودہ ہمدان زاویہ مدفون گشتہ سید محی الدین خلف ایشان
 جانشین ایشان بودہ در ۱۲۵۶ ہجری رحلت فرمودہ نزدیک پدر خود مدفون شدند
 مولانا فرید الدین المعروف غلام فرید صاحب بن م
 فرید عصر و حید ہر بودہ حافظ ششوی شریف بودند از احمد آباد در رندرسورت
 تشریف آورده سکونت نموده بر بنہائی خلایق مشغول بودند تا پنج بیست و دوم
 ماہ ربیع الاول ۱۲۳۵ ہجری رحلت فرمودہ در مسجد حافظ بجا در صاحب مدفون
 گشتند

تاریخ گشتندہ

چون زمین و آسمانے بقاشد	ملاک گفت آمد این ہشتی
بشارت داد رضوان کہ بفرودس	بہمنزل فرالدین چشتی

۱۲ ۳۵

تاریخ

۱۱۵۰ از سید محی الدین یکہ عزرا مذہ کہ مادر مرزا احمد بیگ لہ مرزا المانی بودند مرزا احمد بیگ علم فارسی اشترک
 مولف حدیقتراجمی این کتاب حاصل نموده با صبیہ فریب سیدی عبدالکریم محمد باقرت خان دہلی سخن
 گفته شدہ بودند تا پنج سوم ماہ رمضان ۱۲۱۶ ہجری رحلت نموده در ہمدان زاویہ مدفون شدند مرزا آقا بیگ خلف
 ایشان اند کہ از سرکار سپین بوشن می یابند

آه چنین گوهری یافت ز دست زمان بوی سلم و عمل چو فریدین مزید طی منازل نموده بود فانی الرسول خداستام طهما سال و صاحبش گبو	آه برفوزنت دست تقابن میان عالم عرفان بود واقف اسرار آن نسل ز عباس بود مقتدای مهابران گفت چو آن بادوش یافت سوی خیابان
---	---

تاریخ

چون شیخ عصر عباسی غنیمت سونجا کرد
چنین بشنید از طهم فرید اللہ طریقت

فاخر شاه سورنی رحمه اللہ علیہ فقیر صاحب کمال در بند مبارک سورت پوره
بهر کسید و هفت ساگی در کمال رحلت نموده در نهان پوره مد فون شدند
شاه قطب الدین سورنی رحمه اللہ علیہ از اولاد امیر المؤمنین عمر الفاروق
خره خلافت از شاه فاضل سورنی یافته تولد آنجناب در مین شده بعد از تکمیل علوم وارد
بندر سورت شده در مسجد چو زرگران تشریف دهشته عالم و عارف بوده در مجلس
آنجناب سامان را وجد و حال پیدایشی فقیر صاحب کمال بی نفس بوده
از وفات شاه فاضل مرشد خود در مسجد مرجان شامی آمده جانشین شدند ظفر خان
و حاجی میان میره اش معتقد آنجناب گشته بتا باره دوری و مدرسه در مسجد بنا نمودند
و آنحضرت بدست و ششم ماه جادی الثانی سالروز شب رحلت نموده در
شاه فاضل پیر خود مد فون شدند تاریخ

صوفی صاف بخلق و حمید شش دست از جادوی الثانی	چون زد دنیا بلا مکان رسید میرغ روحش ز آشیان پیرید
--	--

که پیشاه از ایشان نعت یافته اند ۱۲۱۱ هـ اولاد شاه قطب الدین در مین است ۱۲

سال تاریخ چون رستم کردم	جگر خنماه از آلم بودید
گفتم باقی که قطب بین خدا	قول در راه وصل با کشید

تاریخ غلام حبیبانی مرید آنجناب گفته

یک هزار و دو صد و در هفده سال	شاه قطب الدین شهبود وصال
-------------------------------	--------------------------

وازلفظ شاه فاضل

تاریخ وفات آنجناب نیز برمی آید از آنجناب یک پسر شیخ محمد و یک دختر
عقب مانده شیخ عبدالرؤف ابن محمد فیاض بن شیخ زین العابدین که در
رحلت نمودند تاریخ شان شیخ محمد فاضل جد کلان رستم گفته بود تاریخ

شیخ زین العابدین آن کان علم	از من اقسش گریه در جوش آمده
گفتم تاریخ وصال او خسرو	علم زان ماتم سه بوش آمده

ابن محمد عبداللہ ابن مغفرت قرین مولانا شیخ زین العابدین احمد آبادی حجت
علیہم کہ شیخ زین العابدین در احمد آباد عالم و عارف و اجلہ مشایخ مشہورین بودہ کتاب
بصری در نحو و حاشیہ زین العابدین بر آداب الباقی و حواشی بر دیگر کتب سنیہ
تحریر فرمودہ اند و عمدة التجار شیخ محمد فاضل جد کلان این ہستم تحصیل علوم از شیخ
زین العابدین موصوف نمودہ و دختر خود است الرؤف را و محمد شیخ زین العابدین
بن محمد بن عبداللہ بن مولانا زین العابدین موصوف و را آورده کہ محمد فاضل از آن
عقیقہ تولد نمودند و مولانا محمد عبداللہ نیز عارف وقت بودہ شیخ عبدالرؤف تحصیل علوم
از شاہ قطب الدین صاحب نمودہ و خلفت یافته و نیز در سندہ رفته تخریفات
از جانشین شاہ خایت اللہ صوفی یافته بر تہ عالیہ رسیدہ فقیر فی نفس بودہ شے

بنحیطی مسجد مرجان شامی قیام و هشته تبایخ نوزدهم شعبان ۱۲۵۵ رحلت نموده
 نزدیک والد خود در مسجد مرجان شامی مدفون گشته و شیخ زین العابدین و محمد عبد
 هر دو پسران با خود در سنده برده مرید شاه عزت الله که عمر ایشان بعد سال سنده
 ایشان خلیفه ابراهیم شاه خلیفه شاه عنایت الله صوفی شهید بودند نموده وقت باز
 شیخ زین العابدین در ۱۲۳۸ در اثناء راه رحلت نموده و محمد عبد الله شاه در سورت
 در ۱۲۴۲ از مرض مہینہ رحلت نموده در مسجد مرجان شامی مدفون گشته اللهم اغفر
 مغفرت پناه حضرت سید احمد شاه المعروف سید میان صاحب رحمہ اللہ
 علیہ نبیہ حضرت شاه قطب الدین مرحوم سرور خلافت از حضرت شاه قطب الدین
 یافته و تکمیل علوم از سید محمد باوا صاحب نموده چون شانزدهم ربیع الاول در ۱۲۵۵
 سرگروه فتیله رحلت نموده بمقتضی آنجناب رالیق و ناسته سرگروه فقرا نمونند
 و حضرت شاه قطب الدین نیز سرگروه فقرا بودند و پنجاب همیشه جلا شاکردان را
 پیداوند و این رستم نیز کمترین شاگردان آنجناب است تبایخ پانزدهم ذی الحجہ ۱۲۵۵
 رحلت نموده متصل شاه فاضل صاحب و شاه قطب الدین صاحب در مسجد مرجان شامی
 مدفون گشته و فشی عبد حکیم الخاطب زرین قم خان که از شاگردان آنجناب است
 تبایخ گفتمہ : تا تاریخ

سرگروه پاکبازان جهان	سید احمد شاه لقب سید میان
صوفی صاف از طریق قادری	شیخ عالی مقتدا سے کاملان
صاحب حل مقامات فصوص	با وجود وحدت کشف حیان
حافظ اوضاع شرع باصفا	در معارف رہنمای عاشقان

<p>افقه الفقه اهل فرع شان حاوی فقه معانی و بیان استدلال حکمت اشراقیان صبح یوم اربعه و جنان شاه فاضل قطب شه شه مطران تاکه شد آواز غیب ناگهان سید احمد فاضل و قطب زمان</p>	<p>اعلم العلماء بقیس و حدیث کامل معقول و منقول و اصول بحکم حکمت و علم کلام فخر از شرف کرام در جوار پیر خود شیخ الشیوخ خواستم تاریخ ای عهد حکیم گفت رضوان سال از اوچ بشت</p>
<p>شیخ غلام احمد شاگرد آنجناب تاریخ گفت</p>	
<p>دلیل راه حقیقت و قدوه عمل بهست رخت سفرزین جهان بدرتقا</p>	<p>سرگروه فقران و عاشقان خدا جناب سید احمد زوعوت خالق</p>
<p>چو اهل فضل بدو التفات میکردند از آن سبب شده تاریخ مرجع الفضلا</p>	
<p>از آنجناب یک پسرده ساله عفت بازده و شیخ قطب الدین خلف شیخ محمد ابن حضرت شاه قطب الدین مرحوم مرید سید میان صاحب اند و جناب سیادت و شرافت پناه واقف اسرار صد حضرت سید محمد عرف میان صاحب برادر کلان حضرت سید میان صاحب مرحوم عالم و عامل حبیب اند خدا تعالی سلامت دار و سید غلام حسین سلیمان تعالی خلف ایشان در بندرسورت در مسجد مرجان شامی طالب علم و از فضیلت پناه</p>	
<p>له عرس سید محمد عرف میا لطفاً تاریخ چهارم ذی قعدة شد و سال وفات معلوم نگشته ۱۲۱۳ هـ سید غلام حسین صاحب مرحوم تاریخ مقدم ماه رمضان ۱۲۱۳ در بران بین انتقال فرودند او وفات بستر و فرشان که در بران بین سکونت در آمده حال از طرف او فتوی شکار حسین میان و اخلاص بود و زاده سید شعیب میان مرحوم خطیب امام مسجد مرجان شامی که در حسن خلق کما فی سورت بودند گنبد بستی می کنند و سید حسن میان نیز در حسن خلق بود و از دو طرف بهی می بندد پس ایشان سید غلام حسین طالب علم در احوال است ۱۲۱۳</p>	

محمد اشرف صاحب رس میگیرند سلام الله تعالی سید کمال الدین المعروف
 طبیار می صاحب خلف سید محمد زین الدین ابن سید علی الهمدانی رحمه الله علیه همین
 تولد آنحضرت در موضع قبوستان متعلقه بهمان شده بعد از تکمیل علوم بار آورده حج بیت الله
 الحرام زاد الله شرفاً و تعظیماً با برادر خود همیشه از وطن برآمده حسب حکم جناب
 کائنات علیه الف الف تحیات صلی الله علیه و آله وسلم بطرف طبیار رفته دعوت
 اسلام نمودند راجه بجا ربه پیش آمده از خوارق عادات لشکر راجه تا نزد آنحضرت گشته
 راجه مع لشکر باین شرف اسلام درآمده بعد از آن آنحضرت به بیت الله رفته مناسب حج
 بجا آورده باز مراجعت به طبیار نمودند برادر و همیشه آنجناب در آنجا رحلت فرموده
 بعد از آن آنحضرت در بندرسورت شریف آورده به بالاب گوی زمار دوازده تا که در آن وقت بپنجه
 ساخته بود و کنار آن بنجا آنجناب سپید افتاد و در آنجا اقامت فرمودند و تباریح بست و منقماه
 بچشم رحلت فرموده به در آن جا مدفون شدند **تاریخ خوبشانی**
 بعد از رحلت آنجناب معتقدان کانا نور و طبیار بست هزار روپیه جهت ترمیم روضه
 و مسجد فرستادند از آن عمارت عالیه گنبد و دیوارها و مسجدها و غیره بنا گشته
 که بعضی از آن عمارت در جنگ نواب صفدر خان و همین خان مرحوم مهند گشته
 و روضه عالیه زیارت گاه خلایق است شیخ حسین الدین بن شیخ عماد الدین بن شیخ
 مراد رحمه الله علیه را از سید مصطفی بنیر شاه عالم گجراتی تولیت درگاه حضرت طبیار
 رسیده عالم و عارف بودند و تا چهل سال ناز فخر از وضویشا گذر امیده و صاحب کشف
 القبور بودند و پانزدهم جمادی الثانی ۱۲۳۸ در حیدرآباد دکن رفته رحلت نمودند

بدرالدین خلف آن مرحوم تا حالت تحریر تولیت در گاه قیام دارند صاحب تقوی
 و ورع اند خدا سلامت و آرزویشا گوید و رحمة الله علیه فقیر صاحب کمال در
 بند مبارک سورت بوده بر نهم و سوره ۵۶ رحلت نموده در بلخ رستم مدفون گشتند
 مرشدی حضرت مولوی کرم الله صاحب رحمة الله علیه اهل خلفا
 حضرت غلام علی شاه صاحب مرحوم شاه جهان آبادی بودند پدرش نور مسلم و آنجناب
 بعد از تکمیل علوم حشر خلافت نقشبندی از شاه صاحب موصوف حاصل ساخته در بهنگ
 خلاق بوده در ۱۲۰۰ هجری ربیع حج بیت الله و اردو شهر سورت گشته این عاوی
 اوراق بسیار و دیگران مرید آنجناب شدند و بعد از فراغ حج مراجعت شاه جهان آباد
 نمودند و بعد دو سال باز وارد شهر گشته از آنجا در اثنای راه مرض سرطان که بنده
 پایه گویند عاید حال آنجناب بوده ببت و منقذ ماه شعبان ۱۲۰۵ هجری در مکان
 این رستم رحلت نمودند و بوجوب وصیتش در مسجد حافظا با در صاحب قدس سرمد مدفون
 گشته خوارق عادات آنجناب این رستم بچشم خود دیده است خواجہ محمد و ہدای
 سورفی ابن خواجہ محمود الملقب و ہدای شاگرد و خلیفہ مولانا عبد الرحمن جامی
 رفقان الله عنہم جمعین بودند و ہدای موضوعیت در بخارا تولد آنجناب در آنجا شد
 ماشیہ بر نقیحات الانس تحریر فرموده اند و کتاب خلاصۃ الرحمن فی تاویل خلیۃ البیان

تصنیف آن جناب است تاریخ آن

این شیخ بدرالدین احوال بزرگان از برسی و سید گویا تاریخ مجسم بودند تاریخ نیم بیخ اثنای سال ۱۲۰۵ رحلت نمودند خلف شان
 شمس پناہ شیخ حسین الدین ذاکر بودند که شان شصت از میرانشان بسیارند نیم تاریخ و نیم سوره ۱۳۰۰ هجری قمری اجابت کردند و در
 و کلام شیخ بخا کوئی کی و شیخ حضرت ترقی علی کہ ملقب بود دیگر شیخ حضرت سولی کاظم رضی الله عنہ بوده کہ حالانہ نزد ارشاد این شیخ
 شیخ نور الدین در جانشین حسین الدین پدر طوفاقت نموده کہ شیخ عاود الدین از ایشان بود دیگر شیخ حسین الدین در جانشین

تاریخ

در سیف جود علی چو رستم این توشیق چنان رویت که تاریخش از بهمان آرم

در بند مبارک سورت تشریف آورد و در نهایت خلایق گشتند راجه آن سین مرزبان
 کا مریچ معتقد آنجناب گشته بشرف اسلام در آمده به بخت بسیار موسوم شده و برای آنجناب
 گنبد عالی بنا نموده چون قبل از آنجناب رحلت نموده او را در گنبد مدفون ساختند
 چند کتوبات آنجناب که به میر ابو طالب حسنی مجتهد ذریب امامیه در باب سوال و جواب
 دینی رستم فرموده خود را از عدم نمودار محمد و چهار نوشته و مورد مبارک جناب اشرف
 الخلائق صلوات الله علیه که در سلم نزد آنجناب بود چون وقت رحلت رسید خادمان عرض
 نمودند که این نعمت عظمی که بکدام شیخ میز و فرمودند که بعد از رحلت من بجهت کفین
 نموده آنوقت سوی مبارک را پیش آورند بجهت رجوع فرماید مختار است چون طائر روح
 قدسی بال بلند پرواز پاشیانه علیین مقام نموده تمام شائگان و اکابران سورت
 سید محمد عیدروس و غیره آنجناب را بجهت کفین نموده صندوق سوی مبارک بصدقه تقطین
 و تکریم صلاوة خوانده و انمودند و هر یک آرزو داشتند که این علیه کبری نصیب شود
 و این اثنا چشم رست حضرت خواجه محمد دهارکشاوه گشت و دیده خدایین آنحضرت
 بر چهار طرف نظر افکند سوی مبارک از صندوق برآید در چشم آنحضرت در آمد همه با
 بروتیه لعین این خوارق مشاهده کرده فرمودند پس چشم پوشیده شده آنجناب را
 مدفون ساختند میان ابوالخیر سرخس این احوال نظیرت نوشته

قطعه

<p>محمد که بخت بوی محسند ز آثار پش کی بوی دشت چو آمد مذا ارجعی ز انجناب همه خادمان خواش هر کی رسید جواب آوردند پس آنکه بجای خود شن جاویدند کی خبر از جام صلت چید همه موجب امر او در آمدند جمید و برید و پیش رسید سردشی تباریح این واقعه</p>	<p>بسر برده در جستجوی محمد شناخوان و مداح روی محمد رود تا کر بسته سوی محمد که وارند آن گنج موی محمد چشم تمانند روی محمد بدست از نه سینه موی محمد روان گشته روش بوی محمد شناخوان نمودند موی محمد که ز گذشته بود او بوی محمد بگو چشم روشن بوی محمد</p>
--	---

وصال آن حضرت به نوزدهم محرم الحرام ۱۱۶۰ هجری قمری شده تاریخ از فرعی ایام

تاریخ

<p>آن حضرت خواجہ محمد و همدار موی شد در جهان پس از فوت حیات</p>	<p>علامہ نخل دین و آل اطهار بر بست و چشم انورت کرد قرار</p>
<p>زان روز شده خورد پود تاریخ وصال ۱۰۱۷ زان رود زیارت است دین قدس قرار بجز</p>	

سید حسین در پی مبارک برد و خلیفہ آن جناب بودند که مشہور شان و سپایان ایشان اند ۱۲